



نقدی بر یادداشت اخیر علی علیزاده درباره تفکر اقتصادی رهبر انقلاب

مخالف چپ دولت سالار و تعدیل نئولیبرال



نتیجه آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دهه ۶۰ شمسی به‌عنوان رئیس‌جمهور، ضمن آنکه از مستضعفان و حمایت از طبقات محروم به‌عنوان یک اصل در نظام اقتصاد اسلامی دفاع کرده و سخن می‌گوید، با رویکرد چپ آن دهه که شعار حمایت از مستضعفان را در حد شعار باقی گذاشته و فراتر از آن نرفته است، نیز مخالف بود. او برای چپ یا راست، در طراحی برنامه اقتصادی کوشش می‌کرد مقوله عدالت اجتماعی با بسط و توسعه اقتصاد مردمی شکل و قوام پیدا کند.

دهه ۷۰؛ مخالفت با تعدیل ساختاری و اشرافیت فسادآفرین

بعد از رحلت امام(ره) و آغاز دوران رهبری ایشان، دولت جدید به ریاست‌جمهوری «مروح‌هاشمی‌رفسنجانی» تشکیل شد. هرچند حمایت از دولت در ابتدای این دوران بیشتر بود، اما تذکرات و انتقادهای او نیز از همان ابتدا با مسئولان کشور در میان گذاشته شد. البته موضع نقد و مخالفت او با جریان چپ که دولت را مورد انتقاد قرار می‌داد، متفاوت بود. «عدالت اجتماعی» موضوعی بود که رهبری در اولین دیدارهایش با مسئولان جدید روی آن دست گذاشت: «در محیط سیاست داخلی، یکی از چیزهایی که لازم است، «عدالت اجتماعی» است. بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه ما اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی‌نه‌فقط دین اسلام-تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل اجتماعی به‌معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباهی می‌کند.»^(۱)

تذکر به‌ساده‌زیستی، مبارزه با اشرافیت به‌خصوص در سطح مدیران و مسئولان کشور و مبارزه با فساد، از پرسامدترین تذکرات رهبر انقلاب به دولت سازندگی بود. «اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیرکل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخش‌های گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاه‌ها تقسیم کنیم، ما حق نداریم این‌را جزء مخارج دولت حساب کنیم و به‌حساب آن از یارانه مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید... گاهی از جاهایی گزارش‌های نومیکنند، می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعا عرق شرم بر پیشانی اش می‌نشیند، رعایت کنید. سوال می‌کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مساله را درجایی بزنند؛ هم اگر باید دخالت کنیم، بگویید در کتابی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین طور بی‌حساب و کتاب جلوی هر روزخانه و اداره‌ای، ده‌ها ماشین به رنگ‌های گوناگون متعلق به مسئولان آنجا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟ گزارش آمده که روحانی عقیدتی، سیاسی در یکی از دستگاه‌ها، خودش ماشین دار ولی ماشین دولتی سوار می‌شود! من نوشتم که حق ندارد این کار را بکند. برای من جواب آمد که این کار رویه است و همه می‌کنند! این آقا خودش یک ماشین دارد که برای خودش لازم است؛ یکی هم خانمش دارد و نمی‌شود که خانمش از این ماشین استفاده کند! عجب! این چه حرفی است؟ من الان اعلام می‌کنم و قبلا هم نوشتم و این‌را گفتیم آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند... والله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی‌گرفتم که مرتب ملاحظه جهات امنیتی را توصیه می‌کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می‌آمد.»^(۲) رهبر انقلاب در این دوره، در کنار دفع‌ده دل‌نگرانی جدی مقوله تهاجم فرهنگی، مساله معیشت و اقتصاد مردم خاصه طبقات محروم هم در کم‌رآمد را پیش چشم مسئولان قرار داده بود. به‌تدریج در اواخر دولت آقای هاشمی و ابتدای دولت دوم او، این مساله به‌صورت جدی‌تر در افکار عمومی مطرح می‌شود. شاهد اقبال نقد این سیاست‌رویه در دولت سازندگی، رأی بیش از چهار میلیون احمد توکل‌ی بود که با شعار عدالت اجتماعی، سیاست‌های اقتصادی دولت وقت را مورد حمله قرار داد. هاشمی‌رفسنجانی پنج میلیون رأی کمتر از دوره اول آورد و به‌تدریج مشکلات مربوط به معیشت و گرانی و بیکاری در میان مردم جدی شد و آن‌ها به‌اجرای برخی سیاست‌های دولت خاصه سیاست‌های تعدیل ساختاری به پیشنهاد «صندوق بین‌المللی پول»، مرتبط دانسته شد. رهبر انقلاب در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۷۲، حفظ طهارت و نقی‌ای کارگزاران و مراقبت از رسوخ فساد در بدنه دولت را بار دیگر هشدار داد. در آن سخنرانی تأکید کرد مردم فلان شهر یا روستا دور افتاده کشور، نظام را در چهره همان بخشدار یا رئیس پاسگاه نیروی انتظامی یا فلان مسئول محلی مشاهده می‌کنند.

در همان مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری در ۱۲ مرداد ۱۳۷۲ تلویحا، اختلاف خود با سیاست اتخاذ شده دولت سازندگی را اعلام کرد: «من فقط یک جمله در باب سیاست‌های اقتصادی عرض کنم... اساس در نظام اسلامی، عبارت است از رفاة عمومی و عدالت اجتماعی. فرق عمده ما با نظام‌های سرمایه‌داری همین است. در نظام‌های سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هر که بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. آنجا مساله این نیست که تبه‌غی یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمد‌ها و داشتن رفاة جمع‌کنندگی از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن‌را از شما بگیریم تقسیم کنیم! این معنی ندارد. اینکه شکوفایی نخواهد شد! نظام اسلامی این گونه نیست. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و

برای رفاة عمومی، مساله اول نیست. آنچه در درجه اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه عمومی است مثل فرصت‌ها و امکانات- متعلق به همه کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مامورین دولتی و با ترفند و خدای ناکرده با اعمال روش‌های غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: آقا، من ثروت را خودم به دست آوردم.» در نظام اسلامی، چنین چیزی نداریم.

ثروتی که بر پایه صحیحی نیست، از اصل نامشروع است. ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ اینکار امیدان‌رانی می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز و به آن متعلق می‌کند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. نه آن‌را داریم، نه این‌را. هم آن غلط است، هم این. نظام اقتصاد اسلامی، درست است. این طور نیست که نظام اقتصادی اسلامی، عبارت باشد از هر چه در هر دوره‌ای مصلحت باشد. نخیر! نظر شریف امام‌زاده‌الله علیه‌هم این نبود. من خودم یک‌وقت از ایشان پرسیدم. اسلام یک روش خاص خود را دارد. مسلکی در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن سلک را طی می‌کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاة عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد.^(۳) در این ایام برای اولین‌بار رهبر انقلاب بر تعریف نسبت صحیح توسعه و عدالت اجتماعی تأکید کردند؛ تأکید که دهه‌های بعد در اواسط دهه ۱۳۸۰ به‌صورت جدی در اندیشه و سیاست‌های ابلاغی ایشان دیده می‌شود: «آنچه در این بین باید با وسواس و دقت دنبال‌ش باشید، مساله عدالت اجتماعی است که با رشد و توسعه هم سازگار است. بعضی این‌طور تصور می‌کردند که ما باید دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکر اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعه مقدمه عدالت است. آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بنشینیم باید آن‌روز را تحمل نکنیم. اگر می‌بینید که در کشور هنوز تفاوت و فاصله طبقاتی وجود دارد و هنوز کسانی در فقر و محرومیت هستند، به‌خاطر این است که مسئولان کشور بیش از این نمی‌توانند... در برنامه‌ریزی‌های بعدی مساله برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید که یکی از ارکان عدالت، این موضوع است. البته همه مفهوم عدالت این نیست که ما فقر و محرومیت را برطرف کنیم؛ گرچه حقا و انصافا بخش مهمی از آن مفهوم است. این امر را در کارها و در همه بخش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایتان دخالت دهید.»^(۴) رهبر انقلاب بعدها با نام‌گذاری دهه «پیشرفت و عدالت» را به‌این‌تیین نسبت پیشرفت و عدالت در جمهوری اسلامی ایران پرداختند و رشد و پیشرفت منهای عدالت را، الگوی توسعه‌غریب‌شمرند که نسبتی با جهت‌گیری نظام اسلامی ندارد. بعد از مخالفت رهبر انقلاب با ادامه سیاست‌های تعدیل ساختاری در سال ۱۳۷۳ به دلیل بروز پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، دولت وقت از ادامه پیگیری این سیاست‌ها منصرف شد؛ گرچه فشار اجتماعی روی دولت جهت توقف این سیاست‌ها نیز مؤثر بود. سال ۱۳۷۴ نیز رهبر انقلاب روی مبارزه با فساد تأکید کرد و به مسئولان هشدار داد، کشوری که به ثمردهی رسیده و وقت میوه چینی آن است، موسم ورود آدم‌های سوءاستفاده‌کن و فرصت‌طلب و کج‌دست و بددل است. در کنار مبارزه با فساد، تحمل‌گرایی مسئولان نیز مورد عتاب و سرزنش او قرار گرفت. سال‌ها بعد در مورد نمونه‌ای از این تحمل و اشرافیت در میان مسئولان گفتند: «یک وقت شنیدم که یکی از وزرای معادن انواع و اقسام سنگ‌های گران‌قیمتی را که ما در کشور داریم، آورده در وزارتخانه‌اش کار کرده است! من در اینجا او را خواستم و به او گفتم: شما چرا این کار را کردی؟

و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌تولید...»^(۵) به‌نوعی «آیت‌الله‌خامنه‌ای» پرچم‌دار احیای گفتمان عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد (فرمان هشت ماده‌ای) و اشرافیت در سطح مسئولان از اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در جمهوری اسلامی شد که ثمره آن، اقبال مردم به دولتی شد که در سوم تیرماه ۱۳۸۴، شعار عدالت اجتماعی می‌داد. او تلاش کرد در دوران هشت‌ساله دولت نهم و دهم، مختصات عدالت‌خواهی، دولت اسلامی و اقامه عدالت اجتماعی توسط آن‌را ارائه و بازتولید کند. سه‌گان «عقلانیت، عدالت، معنویت» از جمله طرح‌های مفهومی بود که در تحلیل این مختصات از اهمیت راهبردی برخوردار بود. او در دیدارهای سالانه با اعضای هیات دولت گاه‌آفات جنبش عدالت‌خواهی و گاه موانع و شرایط آن‌را برشمرد و کوشش کرد امید می‌کند در نسل جوان برای احیای این شعار طرح‌شده است، به‌نام امید می‌مبدل نشود که متأسفانه در برخی موارد به جهت عملکرد مدیران وقت آن عصر، به ناامیدی منجر شد؛ اما آنچه اهمیت داشت آن بود که عدالت‌بار دیگر در کانون حرف‌ها و شعارهای مدیران رتبه‌اول شو قرار گرفت.

دهه ۹۰؛ تأملی در گذشته و چشم‌انداز آینده

برخی سیاست‌های معطوف به عدالت اجتماعی در دولت نهم و دهم ثمره داده بود و چهره محرومیت کم‌رنگ‌تر از گذشته شده بود؛ اما در بسیاری از موارد به‌تدریج بار دیگر محرومیت و فاصله میان فقر و غنا جدی‌تر نمایان شد. تحریم‌های ظالمانه استکبار جهانی به‌عنوان کاتالیزور این چالش به‌میدان آمد و بار دیگر مسائل اقتصادی در کانون توجه افکار عمومی قرار گرفت. شوک ارزی سال ۹۰ و ۹۱ و شوک ارزی سال ۹۶ و ۹۷، تورم سنگینی را بر معیشت طبقات متوسط و کم‌درآمد تحمیل کرد و احساس نابرابری را در جامعه تشدید کرد. او در قامت رهبر انقلاب اسلامی، ضمن تشویق و تحریک همیشگی مسئولان به معیشت طبقات ضعیف و کم‌درآمد، ۲۹ بهمن ۱۳۹۶، ضمن ارزیابی از وضعیت تحقق عدالت اجتماعی در دوران عمر جمهوری اسلامی، عذرخواهی از مردم را در این زمینه لازم دانست؛ گرچه بعدها در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ضمن پذیرش نقض‌های کشور در تحقق عدالت اجتماعی، خدمات نظام اسلامی در این زمینه را نیز کم‌نظیر دانست. رهبر انقلاب در دهه ۹۰ با طرح شعارهای اقتصادی برای عناوین سال کوشش کرد همه اجتماعی است، تعریف شود. برخی تصور می‌کردند رونق تولید، تولید ملی، حمایت از کالای ایرانی، اقتصاد مقاومتی... همه و همه شعارهای تکنوکراتیک و خالی از ارزش اصولی نظام اسلامی یعنی عدالت اجتماعی است؛ درحالی‌که در تفکر اقتصادی رهبر انقلاب، زمینه‌ساز و غایت اجرای این برنامه‌های اقتصادی، تحقق عدالت اجتماعی است. در تفکر ایشان، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مردمی و عدالت‌بنیان است که می‌خواهد در شرایط شوک بیرونی ناشی از تحریم ظالمانه دشمن، عزت و استقلال داخلی را به همراه آورد.

دهه ۸۰؛ احیای گفتمان عدالت

گفت: وقتی مسافران خارجی به‌وزارتخانه می‌آیند، این سنگ‌ها جلو چشمشان قرار گیرد و مشتری پیدا شود؛ شما را به خدا، این منطق، قابل قبول است؟!... بهانه‌های تجمل‌سازی، واقعا مناسب نیست. به نظر من زرق و برق در زندگی شما وقتی به بیرون منعکس شود، آن اشکال دوم را دارد: فرهنگ می‌سازد و یک عده نوکیسه و تازه‌به‌دوران رسیده را به رخ‌ها و تجمل‌بازی زیادی تشویق می‌کند. بعد هم می‌بینند روسای نظام هستند؛ همه به آن طرف حرکت می‌کنند؛ آن وقت از شما تندتر هم می‌روند؛ چون شما بالاخره ملاحظاتی دارید که بسیاری از آنها ندارند.»^(۶)

کلام آخر:

آنچه به‌اجمال طرح شد، نیازمند تفصیل و تبیین بیشتر با ارائه شواهد از سیره و تفکر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. با این حال، در مورد یادداشت علیزاده پیرامون تفکر اقتصادی رهبر انقلاب نکات زیر به نظر می‌رسد:

۱. «عدالت اجتماعی» مهم‌ترین ارزش سیاست داخلی در اندیشه سیاسی اوست و این موضع اصولی در گذر زمان تغییری نکرده است. این ارزش حتی در تحلیل اصول سیاست‌خارج او نیز نقش دارد. در این تفکر، استکبار ضد عدل و خودظلم است. شاهد مثال آن، بیانات اخیر ایشان است: «نظام سلطه اساسا ضد آزادی و عدالت است؛ ضد عدالت است چون درون خود کشورهای ثروتمند نظام سلطه... مردم از گرسنگی کنار خیابان می‌میرند؛ در تابستان بی‌خانمان‌ها کنار خیابان از گرما می‌میرند؛ در زمستان کنار خیابان از سرما می‌میرند؛ بخش عمده ثروت این کشورها متعلق به یک جمع بسیار محدودی

موضوع
عدالتخواهی
و طرفداری از
مستضعفان «آیت‌الله
خامنه‌ای» با موضوع
عدالتخواهی و حمایت از
محرومان برخی گرایش‌های
چپ در دهه ۶۰ و عصر معاصر
متفاوت است.
به باور او، برخی از این
عدالتخواهی‌ها خود ظلم
است. بنابر این تحلیل تفکر
اقتصادی ایشان باید فراتر از
کلیشه چپ-راست صورت
پذیرد. تفکر اقتصادی ایشان
به همان اندازه با چپ دولت
سالار دهه ۶۰ شمسی زاویه
و اختلاف داشت که با تفکر
نئولیبرال طرفدار
سیاست‌های تعدیل ساختاری
در دولت سازندگی، تباین و
اختلاف داشته است

۱. علی علیزاده: تحلیل‌گر سیاسی ایرانی که در خارج از کشور ساکن است.
۲. برگرفته از کتاب «روایتی از زندگی و زمانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» نوشته جعفر شیرعلی‌نیا، صفحه ۳۲۱.
۳. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت ۱۳۸۹/۰۶/۰۸
۴. برگرفته از کتاب «روایتی از زندگی و زمانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» نوشته جعفر شیرعلی‌نیا، صفحه ۳۵۸
۵. همان، ص ۴۱۱
۶. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ۱۳۹۰/۰۳/۰۸
۷. بیانات در دیدار با کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۶۸/۱۱/۰۹
۸. بیانات در دیدار با کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۷۰/۰۵/۲۳
۹. مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی در ۱۳۷۲/۰۵/۱۲
۱۰. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت در ۱۳۷۴/۰۶/۰۸
۱۱. در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت در ۱۳۸۰/۰۶/۰۵
۱۲. پیام به دومین همایش سراسری جنبش دانشجویی در ۱۳۸۱/۰۸/۰۶
۱۳. بیانات در دیدار با بسیجیان سراسر کشور در ۱۳۹۸/۰۹/۰۶